

ورق برگشته است

مهدی واحدی

مجازی، تا ایجاد تغییر در هستی‌شناسی دانش‌آموزان رسوخ کرده است. آن‌ها به‌طور عمده دنیا را از دریچه فناوری درک می‌کنند. یادگیرندگان دیگر به مدرسه و کلاس و معلم به‌عنوان تنها منبع دانش، وابستگی صرف ندارند. یادگیرندگان جدید، بدون فناوری دچار اضطراب و تشویش خاطر می‌شوند! در آن‌ها عادت‌های جدیدی شکل گرفته‌اند، از جمله اینکه با فناوری‌ها و رسانه‌ها تا عمق جان انس گرفته‌اند و یادگیری و آموزش بدون حضور فناوری را بر نمی‌تابند. اکنون گریزان از نظارت‌های سخت و سخت گذشته هستند! بیش از یک‌سال‌ونیم با حداقل نظارت از جانب معلم و مدرسه رشد کرده‌اند. دیگر کمتر آمادگی سنجش‌ها و ارزشیابی‌های سابق را دارند. دیگر مثل قبل حتی حداقل استرس و نگرانی را هم برای حرکت و تلاش در مسیر یادگیری ندارند. در واقع به حد زیادی دغدغه‌ها و فشارهای آموزشی آن‌ها کم شده است. در این مدت دچار تبدیلی‌های جسمانی و حتی ذهنی هم شده‌اند!

و البته عادت‌های مثبت جدیدی در قالب سبک‌های جدید یادگیری در آن‌ها شکل گرفته‌اند، از جمله: استقلال و توانایی‌های راهبری مستقل (خودراهبری و خودتنظیمی) آن‌ها در یادگیری به‌طور محسوسی رشد کرده، توانایی یادگیری شخصی و انفرادی شده در آن‌ها ایجاد شده و نقش والدین در آموزش‌ها و یادگیری‌های آن‌ها افزایش چشمگیری یافته است.

معلمان عوض شده‌اند: ما معلمان مهارت‌های کار با فناوری را بیش از پیش آموخته‌ایم و روش‌های تدریسمان فناوری‌محورتر شده‌اند. ناگفته نماند، خود ما هم در این دوران بیش از پیش به فناوری وابسته شده‌ایم. با توجه به ویژگی‌های جدیدی که در یادگیرندگانمان

اکنون مهرماه سال ۱۴۰۰ خورشیدی است. در دوران کمی تاقسمتی پساکرونایی هستیم! نه هنوز از چنگ و شر آن خلاصی یافته‌ایم و نه همچون سال گذشته بدون سلاح در برابر او در مبارزه‌ایم؛ تجربه کسب کرده‌ایم، در رعایت جوانب احتیاط مهارت یافته‌ایم، برخی مان واکسن ضدکرونا تزریق کرده‌ایم، برخی مبتلا شده و برای دوره‌ای ایمن از ابتلای دوباره سر کرده‌ایم. عده‌ای مان هم که در کل از همان ابتدا اعتقادی به کرونا نداشتیم و به‌جای همه اکثریتی که مراعات می‌کردند، گردش رفته و شیوه‌نامه‌ها را رعایت نکرده‌ایم و...!

در این شرایط و زمانه، بعد از حدود یک‌سال‌ونیم آموزش غیرحضور، حوزه کاری ما هم شکل جدید و اقتضانات نوینی را روبه‌روی خود می‌بیند. محیط آموزشی و یادگیری متفاوت شده است و با دانش‌آموزانی دیگرگونه مواجهیم. حتی ما معلمان هم عادت‌های جدیدی در معلمی به سراغمان آمده است. در مجموع پیش رویمان فرصت‌هایی است و البته تهدیدهایی! در این نوشتار قدری شرایط جدید را تشریح خواهیم کرد و در انتها به ضرورت پذیرش و روی آوردن به رویکردی جدید خواهیم رسید.

محیط‌های آموزشی تغییر کرده‌اند: مدرسه و کلاس‌های درس ما از این پس فضاهای جدیدی هستند یا باید باشند! آن‌ها فناورانه‌تر خواهند بود، چرا که ما معلمان و دانش‌آموزان که روح فضای آموزشی را تشکیل می‌دهیم، متفاوت شده‌ایم. محیط یادگیری سابق دیگر پاسخگوی نیازها و انتظارات و عادت‌ها و مهارت‌های جدید شکل گرفته در یک‌سال‌ونیم اخیر نخواهد بود.

با دانش‌آموزان جدیدی مواجهیم: تأثیر تجربه آموزش‌های



ایجاد شده است، قدرت مدیریت کلاس درسی به شکل گذشته، تا حدودی از ما سلب شده است. فرصت مغتنمی به نام مشارکت و دخالت خانواده‌ها و نقش‌آفرینی بیشتر آن‌ها پیش روی ماست که ناتوانی در مدیریت آن و بهره‌گیری از آن، ممکن است فرایند یاددهی - یادگیری را با اختلال مواجه کند. اگر هم بهره‌ای مناسب و روشمند از آن ببریم، یاری‌گر مناسبی در رشد آموزشی شاگردانمان خواهد بود.

فرصت‌هایی برایمان پدید آمده‌اند: همه فعالان جریان تعلیم و تربیت، از رشد مهارت‌ها و ادراک توسعه‌یافته فناوریانه برخوردار شده‌ایم. امکانات جدیدی که به‌واسطه اشتغال جدی به آموزش‌های مجازی شناسایی و از آن‌ها استفاده کرده‌ایم، فرصت‌های بسیار خوبی برایمان فراهم آورده‌اند. البته لازمه استفاده از این فرصت، باورمندی به کارآمدی این سیاق از تعلیم و تربیت است، وگرنه چنانچه مشتاقانه بازگشت به روش‌های سنتی گذشته را انتظار می‌کشیم، همین فرصت، جدی‌ترین چالش کلاس درس ما خواهد بود.

در معرض تهدیدهایی هم قرار داریم: واقعیتی تلخ در مواجهه با دانش‌آموزان، درک این نکته است که آن‌ها برخی یا تعداد زیادی از درس‌های پایه و اساسی یک‌سال‌ونیم اخیر را به‌خوبی نیاموخته‌اند و ما ناگزیر از صرف وقت زیاد برای جبران این خلاء هستیم. در واقع، هم یادگیری‌ها دچار افت شده‌اند و هم مهارت‌های یادگیری شکل عوض کرده‌اند. اگر آن را درک نکنیم، دچار مشکل خواهیم شد. اگر مدارس بازگشایی شوند ما از امسال با دانش‌آموزانی مواجهیم که کمتر مطیع هستند و مدام به اقتدار ما تنه خواهند زد! حوصله آن‌ها، به‌دلیل رسانه‌ای شدن ذهنشان، کاهش محسوسی

یافته است و یکی از جدی‌ترین مشکلات ما، جلب و به‌خصوص نگهداشتن توجه آن‌ها به تدریس خواهد بود. آن‌ها دیگر روش‌های سابق کلاس‌داری و تدریس و تعامل را از ما نخواهند پذیرفت. همه این‌ها نیازمند کسب مهارت‌های جدیدی هستند که در یکی از مقالات همین شماره، به قلم نویسنده همین یادداشت، تبیین شده‌اند. توضیحات گفته‌شده ما را به ضرورت تغییر جدی در رویکرد اصلی آموزش، یاددهی و تدریس‌مان رهنمون می‌کند. فضای جدید را «رویکرد تلفیقی» نامیده‌اند؛ رویکردی که می‌تواند تا حد زیادی مشکلات ما را رفع کند و یاری‌رسان اصلی ما در تحقق اهداف آموزشی‌مان باشد. اینکه این رویکرد چیست، چگونه اجرا می‌شود، سازوکار آن چیست، دانش و مهارت‌های موردنیاز تجهیز به آن کدام‌اند و... مطالبی هستند که شماره حاضر از مجله، هم خود را صرف تبیین و تشریح آن کرده است. امیدوارم مطالعه این شماره یاری‌رسان شما معلمان عزیز در مسیر سازگاری مطلوبتان با شرایط جدید آموزشی باشد!

در پایان متذکر می‌شود، مجله رشد فناوری آموزشی بنا دارد در سال جدید مطالب خود را کاربردی‌تر، به‌روزتر، معرفت‌افزاتر و متنوع‌تر از گذشته سامان دهد. بی‌شک در این مسیر نیازمند همکاری شما خوانندگان محترم هستیم که با ارسال نوشته‌های خود در قالب مقاله، تجربه زیسته، نقد و بررسی، ترجمه و... یاری‌گر ما باشید.